جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۵۰۱ | پنج‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۱ | ۹ ذی‌القعده ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۳:۰۴ |
غروب آفتاب: ۲۰:۱۹ | اذان مغرب: ۲۰:۴۰ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۱ | اذان صبح فردا: ۰۴:۰۲ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۴۸ |

دیده‌بان | نوید پارسا

رئیس سازمان سینمایی در دیدار با دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه:

از راه دیپلماسی پیگیر «عنکبوت مقدس» هستیم

سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اولین موضع‌گیری رسمی خود را علیه این فیلم توهین‌آمیز همزمان با اختتامیه این جشنواره اعلام کرده است، چراکه معتقدیم توهین به مقدسات خط قرمز ماست.

محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی با بیان این مطلب در دیدار جمعی از مدیران این سازمان با آیت‌الله حسینی‌بوشهری، امام جمعه قم و دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه گفت: وزارت ارشاد شکایتی را از طریق مراجع قضایی، نسبت به دست‌اندرکاران این فیلم پیگیری می‌کند و در تلاشیم از تکرار اینگونه موارد جلوگیری کنیم.

وی ادامه داد: در شرایط فعلی هجمه‌ای علیه کلیت سینما پیش آمده که نیاز به مدیریت و مراقبت دارد. سینمای ایران به موهبت فرامین حضرت امام(ره) و رهبری معظم و به برکت انقلاب اسلامی، مسیر تحول و استعلایی را پیموده و توانسته افتخارات زیادی برای کشور به دست آورد. سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اولین موضع‌گیری رسمی خود را علیه این فیلم توهین‌آمیز همزمان با اختتامیه این جشنواره اعلام کرده است، چراکه معتقدیم توهین به مقدسات خط قرمز ماست، بعد از آن سایر نهادها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و طیف‌های مختلف جامعه نسبت به محتوای مغرضانه این فیلم واکنش نشان داده‌اند و ما همچنان از طریق دستگاه دیپلماسی پیگیر موضوع و رفتارهای ضددینی هستیم.

به گفته وی، شاید عده معدودی در داخل یا خارج مشکل‌آفرینی و چالش ایجاد کنند که این تعداد در مقایسه با اکثریت و قاطبه خانواده سینما جایگاه و تأثیری ندارند.

آغاز ثبت‌نام اکران‌های مردمی فیلم «هناس»

ثبت‌نام اکران‌های مردمی فیلم سینمایی «هناس» از طریق سایت اکران مردمی به آدرس ekranmardomi.ir آغاز شد.

علاقه‌مندان می‌توانند جهت اکران فیلم «هناس» در شهرهای فاقد سینما، ثبت‌نام کنند و با حداقل امکانات آن را در مکان‌هایی مانند مسجد، مدرسه، دانشگاه، حوزه علمیه و فرهنگسرا به نمایش بگذارند.

فیلم سینمایی «هناس» که روایتگر آخرین روزهای زندگی دانشمند شهید ایرانی، داریوش رضایی‌نژاد از زاویه دید شهره پیرانی، همسر وی است از چهارشنبه، ۱۸ خرداد اکران خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز می‌کند.

کارگردانی این فیلم را حسین دارابی و محمدرضا شفاه نیز تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشته است. همچنین مریلا زارعی در نقش شهره پیرانی و بهروز شعیبی در نقش داریوش رضایی‌نژاد، دو بازیگر اصلی این فیلم را تشکیل می‌دهند. وحید رهبانی، سولماز غنی، امین میری، علیرضا نایینی و کوثر حیدری (هنرپیشه خردسال) با هنرمندی سیاوش طهمورث، سایر بازیگران «هناس» هستند.

برگزاری کارگاه خوشنویسی و نقاشی‌خط «ولایت عشق»

همزمان با دهه کرامت، کارگاه خوشنویسی و نقاشی‌خط «ولایت عشق» با حضور ۱۰۰خوشنویس و ۱۸ هنرمند نقاشی‌خط برگزار می‌شود.

به گزارش «جوان»، کارگاه خوشنویسی و نقاشی‌خط «ولایت عشق» با همکاری انجمن خوشنویسان ایران و با حضور ۱۰۰ خوشنویس در رده‌های استاد، فوق‌ممتاز و ممتاز و ۱۸ هنرمند نقاشی‌خط برگزار می‌شود.

هنرمندان در این کارگاه به تولید اثر با مضمون یک بیت یا مصراع شعر آیینی با موضوع امام رضا(ع) می‌پردازند. حسین حسین‌نژاد، سیروس گرجستانی، محسن میرحسینی، عباس واشقانی، احمد شفیعی‌ها، داوود رواسانی و مهرناز قربان‌پور تعدادی از خوشنویسان و علی گنجی، هانی شرار، باربد یزدانی، غلامرضا قلی‌پور، روح‌الله برومند و عزیزالله گلکارزاده تعدادی از هنرمندان نقاشی‌خط در این رویداد حضور دارند.

این کارگاه امروز پنج‌شنبه، ۱۹ خرداد از ساعت ۱۶ الی ۱۹ در باغ کتاب تهران برگزار می‌شود.

حکمت

قال الرضا علیه‌السلام:
بدانید که بعد از ایمان به خدا و بعد از اعتراف به حقوق اولیاء الله از آل‌محمد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هیچ شکری نزد خدا خوشایندتر از این نیست که برادران مؤمن خود را در امور دنیایشان یاری رسانید.
عیون اخبار الرضا، ج۲، ص ۹۶۱

کتاب‌سوزی مغول‌ها در نیشابور در تهران ۷۰۰ هزار تومان آب می‌خورد!

اینکه پروژه «سی‌صد» در ادامه کارهای فرمگرا و حاشیه‌ساز رحمانیان خواهد بود یا خیر را باید به زمان اجرا و قضاوت مخاطبان موکول کرد

■ **محمدصادق عابدینی**

از سینما و تئاتر گرفته تا کنسرت‌های موسیقی، گوش مخاطب هنر در ایران در حال عادت کردن به شنیدن رقم‌های درشت بلیت‌هاست. اهالی کتاب هم سال‌هاست از گرانی کاغذ می‌نالند، در این میان کنسرت‌ها در حال ربودن گوی گرانی از رقبا هستند، به‌طوری که در تهران برگزاری یک کنسرت- نمایش با قیمت بلیت ۶۹۵ هزار تومانی چندان عجیب نیست!

شنیدن نام سیصد (۳۰۰) برای مخاطب ایرانی فرهنگ‌دوست می‌تواند یادآور یکی از آثار ضدایرانی سینمای امریکا باشد که در آن با جعل تاریخ و نفرت‌افکنی علیه تمدن ایرانی، داستانی خیالی از شکست ارتش هخامنشی از یک مشت اسپارتی روایت می‌شد. ۳۰۰ در سال ۲۰۰۶ ساخته شد و در آن زمان ایرانیان اعتراض خود را در سطح بین‌المللی به گوش سازندگان آن فیلم رساندند. اگرچه بعد از آن چندین شایعه درباره ساخت فیلمی تاریخی در ایران برای پاسخ به ۳۰۰ منتشر شد، اما تا امروز هیچ اتفاقی رخ نداده است. انتشار خبر برگزاری یک کنسرت- نمایش به عنوان «سی‌صد» در ایران بار دیگر نام فیلم ۳۰۰ را به خاطر می‌آورد. تهمورس پورناظری، آهنگ‌ساز این اثر می‌گوید: «پروژه سی‌صد ارتباطی به فیلم سینمایی ۳۰۰ ندارد، شاید کنسرت نمایش سی‌صد بتواند پاسخی به یک جعل تاریخی باشد که در آن فیلم اتفاق افتاده بود، اما براساس آن طرح‌ریزی نشده است.»

آنطور که برگزارکنندگان کنسرت- نمایش سی‌صد می‌گویند، نمایش این اثر بر اساس یکی از داستان‌های «ری بردبری» درباره کتاب‌سوزی و نسل‌کشی مغول‌ها در نیشابور است. بردبری، داستان‌نویس مشهور امریکایی و خالق رمان مشهور «فارنهایت ۴۵۱» است. احتمالاً برگزارکنندگان «سی‌صد» هم از کتاب «فارنهایت ۴۵۱» ایده و الهام گرفته‌اند. در آن رمان مشهور، ماجرای کتاب‌سوزی و ممانعت از خواندن کتاب را که پیامد آن نشر هرچه بیشتر جهل بود شاهد هستیم. کتابی که در سال ۱۹۶۶ فیلم سینمایی آن به کارگردانی فرانسوا تروفو ساخته شده است.

نویسنده متن نمایش «سی‌صد»، محمد رحمانیان است. رحمانیان چهره شناخته شده‌ای در تئاتر به شمار می‌رود. او در کارنامه خود، اجرای «کنسرت- نمایش، پیکان جوانان» را دارد. «پیکان جوانان» به خاطر تک‌خوانی یک زن و اشاره به وقایع سال ۸۸، توقیف شد. رحمانیان همچنین تئاتر «مجلس ضربت زدن» را در تئاترشهر اجرا کرد که اعتراضات زیادی را در پی داشت.

سابقه اجرای کنسرت نمایش در ایران چندان طولانی نیست

■ **لاکچری ۷۰۰ تومنی!**

اینکه پروژه «سی‌صد» در ادامه کارهای حاشیه‌دار و حاشیه‌ساز رحمانیان خواهد بود یا خیر را باید به زمان اجرا و قضاوت مخاطبان موکول کرد. تنها خط داستانی «سی‌صد» بیان موضوع کتاب‌سوزی در نیشابور در دوره تسلط مغول‌هاست و چیز بیشتری تا به امروز لو نرفته است، اما حاشیه‌های «سی‌صد» پیش از محتوای آن رسانه‌ای شده است. موضوع اصلی این است که بلیت‌فروشی آن می‌تواند رکورد جدیدی را در گرانی قیمت بلیت‌های کنسرت در ایران به جا بگذارد. رقم نزدیک به ۷۰۰ هزار تومانی برای بلیت این کنسرت، توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است.

محمدحسین توتونچیان، تهیه‌کننده «سی‌صد» درباره قیمت بلیت‌های این کنسرت- نمایش می‌گوید: «بنده به عنوان یک تهیه‌کننده کنسرت‌های بزرگ موسیقی تمام تلاشم را طی این سال‌ها انجام داده‌ام تا با در نظر گرفتن تمام انتقادات و نظرات کارشناسی شده به سمت و سوی اعتلای موسیقی گام بردارم که هم در موسیقی پاپ و هم در موسیقی ایرانی به جایگاه مخاطب ایرانی احترام می‌گذارد. در این راه توجه به قشر فرهنگی و فرهیخته جامعه و حتی عزیزانی که برای تهیه بلیت‌های گرانقیمت کنسرت با چالش‌هایی روبه‌رو هستند از عمده دغدغه‌هایم بوده که همواره دوست داشتم روی پروژه‌هایم پیاده‌سازی کنم. اگرچه شرایط اقتصادی نابسامان و البته نامشخص این سال‌های کشورمان اجازه چنین کاری را به ما کمتر داد، اما تمام تمرکز و برنامه‌ریزی‌ام را گذاشتم تا حداقل در این پروژه بتوانم در جایگاه‌هایی که قطعاً در نقطه کوری از نگاه مخاطب قرار ندارد، بلیت‌هایی را برای فروش ارائه دهم که از ۷۰ هزار تومان تا ۳۰۰ هزار تومان بتواند این قشر از جامعه را هم پوشش دهد. کمااینکه در همین کنسرت- نمایش «سی‌صد» تقریباً نزدیک به ۳۰درصد از جایگاه تماشاگران بلیت‌های ۷۰ تا ۳۰۰ هزار تومانی به فروش می‌رسد که در همین سه روز هم به‌طور کامل فروخته شدند.»

وی درباره قیمت ۶۹۵ هزار تومانی بلیت نیز می‌گوید: «قیمت ۶۹۵ هزار تومانی برای همه سالن نیست، بلکه فقط بخشی از سالن است که جالب است بدانید توسط تماشاگران خریداری شده است. این هم اصلاً دلیل بر بی‌توجهی بنده و همکارانم درباره قشر کم‌درآمد جامعه نبوده است.»

البته نمی‌توان پای اسپانسر این کنسرت- نمایش را در قیمت‌گذاری‌ها نادیده گرفت. یک شرکت واردکننده موبایل به عنوان حامی مالی برگزاری «سی‌صد» مطرح شده است. یکی از خبرگزاری‌ها در انتقاد از این حضور می‌نویسد: «سی‌صد، پروژه‌ای است به کام سلبریتی‌ها و متصدیان پشت صحنه، پروژه‌ای که همان ابتدای راه، مخاطب قشر متوسط و ضعیف جامعه را کنار گذاشته و سرراست با اسپانسری «داریا همراه پایتخت» برای قشر سرمایه‌دار و به اصطلاح لاکچری جامعه ساخته شده است. در تحلیل آخر، سرمایه‌داری همواره وفادار به سرمایه‌داری است و نمی‌توان میلیاردها تومان صرف کرد و بعد از قشر کمتربرخوردار جامعه حرف به میان آورد. همیشه در قضایایی از این دست به شکل بی‌رحمانه‌ای دم خروس بیرون می‌زند.»

«داریا همراه پایتخت» از یک طرف طی این سال‌ها با ارز دولتی موبایل وارد کرده و در کمتر از چهار سال به بزرگ‌ترین واردکننده موبایل کشور تبدیل شده است و از سوی دیگر با ورود به میدان هنر هم همان روحیه سرمایه‌داری را با خود به ارمغان آورده و قیمت کنسرتی معمولی را نجومی کرده است.»

البته از اواخر سال ۱۴۰۰ با کاهش محدودیت‌های کرونایی و آغاز مجدد برگزاری کنسرت‌ها، افزایش قابل ملاحظه قیمت بلیت‌های کنسرت کلید خورد. در سال گذشته کف قیمت بلیت کنسرت در تهران نزدیک به ۸۰ هزار تومان بود که این رقم امسال با رشد قابل ملاحظه‌ای به حدود ۳۰۰ هزار تومان رسیده است.

■ **از سی تا سی‌صد**

سابقه برگزاری کنسرت- نمایش در ایران چندان طولانی نیست، به‌طوری که می‌توان نمونه موفق قبلی از این نوع را همان پروژه «سی» دانست. در آن پروژه نیز پورناظری به عنوان آهنگساز و توتونچیان تهیه‌کننده بود با این تفاوت که در پروژه «سی»، خواننده اثر همایون شجریان بود، اما در «سی‌صد» با حذف شجریان، رضا بهرام خواننده پاپ جایگزین شده است.

در بخش بازیگری نیز در پروژه «سی» بازیگرانی مانند سحر دولتشاهی، مهدی پاکدل و امیر جدیدی حضور داشتند و کارگردانی کار نیز با اصغر دشتی بود. در «سی‌صد» ولی جدیدی به مقام کارگردانی رسیده است و بازیگرانی مانند جواد عزتی و مهران غفوریان قرار است در این کار حضور داشته باشند.

نما | حسین کشتکار

گزارش | جواد محرمی

me too ایرانی از افراط‌گرایی تا رسیدن به مرز عقلانیت

رویکرد جدید زنان معترض می‌تواند به مراتب در نسبت با رویه و رویکرد قبلی برای آسیب‌دیدگان احتمالی سودمندتر و مؤثرتر باشد، چراکه گفته‌اند به جای تبلیغ و تهدید به افشاگری در حال تدوین یک آیین‌نامه هستند

سرنخ جنبش me too ایرانی برخلاف برداشت عمومی و غالبی که از آن وجود دارد، خارج از ایران است. هرچند تا حالا برخلاف نیت طراحان و کلیدزنندگانش سبب ایجاد یک موج زنانه به شکل یک دوقطبی جنسیتی در جامعه اسلامی نشده است، بلکه در همان سینما متوقف مانده و از آنجا که از سوی خود سینماگران و به‌ویژه قشر زنان رقم‌زده شده، امکان فرافکنی‌های گمراه‌کننده درباره ماهیت آن تا اینجای کار سلب شده است. خیلی‌ها بدشان نمی‌آمد برای خلاص شدن از شر این اعتراضات، آن را پروژه به‌اصطلاح تندروها برای ضربه زدن به اصل سینما معرفی کنند.

در واقع امضای حدود ۸۰۰ زن سینماگر زیر بیانیه اعتراض به آزار جنسی جلوی هر سوءتحلیلی را گرفت و راه هرگونه شک و شبهه در این‌باره را که در پشت پرده سینما معضلات جدی اخلاقی وجود دارد، مسدود کرد. سکوت نهادهایی مثل خانه سینما و اصناف دیگر هم نشان می‌داد که بدنه سینمای ایران از این اتفاق تقریباً گیج است. آن طیف سیاست‌زده از دل جامعه سینمایی هم مترصد فرصتی بود تا بتواند قدری فشار این موج غافلگیرانه را کم کند. اینکه کسی از میان انقلابی‌ها حرفی بزند، حمله‌ای کند تا همان عده بگویند دیدید، گفتیم قرار است سینما را بزنند!

اما می‌توی ایرانی از دو جهت این قابلیت را نداشت که آن را به عنوان پروژه تندروها علیه سینما معرفی کنند؛ اول اینکه همه می‌دانند اصل ماجرا در غرب اتفاق افتاده و دوم اینکه از دل قشر زنان سینماگر جوشیده است. استوری کتایون ریاحی علیه سعید پورصمیمی، اما سبب شد باگ‌های این به‌اصطلاح جنبش خود را نشان دهد و خیلی‌ها را به صرافت بیندازد که اتهام‌زنی و افشاگری بدون ارائه سند و طرح موضوع در دادگاه صالحه چقدر می‌تواند به انصاف و عدالت نزدیک باشد.

■ **ما صلاحیت راستی‌آزمایی نداریم**

آخرین بیانیه زنان معترض نشان می‌دهد که عقلای سینما توانسته‌اند تا حدودی این ماجرا را به سمت اعتدال و عقلانیت هدایت کنند. رویکرد جدید زنان معترض می‌تواند به مراتب در نسبت با رویه و رویکرد قبلی برای آسیب‌دیدگان احتمالی سودمندتر و مؤثرتر باشد، چراکه گفته‌اند به جای تبلیغ و تهدید به افشاگری در حال تدوین یک آیین‌نامه هستند(به این درایت رسیده‌اند که افشاگری روشی پیشاتمدنی است و ما در قرن حاضر و با ظهور جامعه مدنی به ابزارهای مدرن‌تری دسترسی داریم) و نوشته‌اند: ما از این به بعد هیچ روایتی را منتشر نخواهیم کرد، چون اساساً صلاحیت راستی‌آزمایی و انتشار روایت‌ها را نداریم(عملی که درباره فرهاد اصلانی مرتکب شدند).

بعد بلافاصله در پاراگراف بعدی آورده‌اند «وظیفه‌ای که برای خود تعریف کرده‌ایم تنها حمایت از فضای روایتگری است»(نه در فضای مجازی، بلکه در پیشگاه نهاد یا فرد یا افراد ذی‌صلاح) و به این نکته اشاره کرده‌اند که «ما همراه راویان خواهیم بود تا زمانی که شکایت خود را به شکل مستدل در کمیته‌ای که در حال طراحی سازوکار آن هستیم، مطرح کنند» و نوشته‌اند: «این سازوکار اگر وجود داشت، راویان دست به افشاگری در فضای مجازی نمی‌زدند» (تلویحاً اعتراف می‌کنند اتهام‌زنی پیش از اثبات جرم، رفتاری غیرمدنی و اشتباه بوده است).

نوشته‌اند ما در کنارتان خواهیم بود، اما از این پس این همراهی را به دلیل خدشه وارد نشدن به الزامات حقوقی به صورت عمومی اعلام نمی‌کنیم و آورده‌اند، برخی همکاران، اساتید و نام‌ها پیش از این در روند بررسی شکایت‌های صنفی بیش از عدالت در پی مصلحت‌سنجی بوده‌اند(احتمالاً صیانت از آبروی افراد به‌زعم ایشان اسمش مصلحت‌سنجی است).

عنوان کرده‌اند که کمیته‌ای مستقل تشکیل می‌دهند که در یک فضای محرمانه، اما شفاف کار کند(به اصل محرمانگی تا رسیدن به نتیجه پایبند شده‌اند).

آورده‌اند که اجازه هیچ‌گونه سوءاستفاده از سازوکار کمیته را برای هرگونه تسویه‌حساب شخصی و باج‌گیری نخواهند داد(یعنی به این فهم و آگاهی رسیده‌اند که اتهام‌زنی بی‌ضابطه می‌تواند چنین آسیب‌هایی داشته باشد).

به نظر می‌رسد حالا می‌توان از چنین روشی که به مسیر عقلانیت نزدیک شده و از افراط‌گرایی فاصله گرفته حمایت کرد و البته بدیهی است این دیگر ربطی به جنبش وارداتی me too که مبتنی بر اتهام‌زنی بود، ندارد و هر عقل سلیم و وجدان بیداری از یک چنین روش متمدنانه، منطقی و خیرخواهانه‌ای حمایت می‌کند.

■ **قوت و ضعف‌های توئیت‌های رائفی‌پور**

توئیت‌های علی‌اکبر رائفی‌پور درباره جنبش می‌توی ایرانی، یک حسن و چند آفت داشت؛ حسن آن این بود که ریسک رفتار و مواضع غیرکارشناسی سلبریتی‌ها را قدری بالا برد تا بدانند قرار نیست مواضع‌شان همیشه بی‌جواب بماند و گروهی از جامعه حاضر در فضای مجازی رفتارهای آنها را بی‌جواب نخواهند گذاشت و نقطه‌ضعف‌هایشان را که کم هم نیستند جلوی رویشان خواهند گرفت و به آنها واکنشی در خور نشان خواهند داد.

اما شاید یکی از آفت‌های آن این بود که توانست با فضاسازی، جنس رفتار انقلابی‌ها را در حد رفتار امین فردین تقلیل بدهد. آفت دیگر اینکه رائفی‌پور در پازل جنبش وارداتی me too بازی کرد، بدون آنکه بداند عده‌ای قصد ایرانیزه کردن آن را از روی نسخه غربی داشتند، با این هدف که جامعه زنان ایران را از تمامی اصناف و اقشار پای کار بکشند تا اینطور به جامعه جهانی القا شود که زنان برای فعالیت اجتماعی در جامعه اسلامی امنیت ندارند(سال‌هاست روی جنبش‌های زنانه کار می‌کنند).

رفتار رائفی‌پور این نگرانی را نیز ایجاد می‌کند که فضای مغموم، متفرق و سرخورده سینماگران ناشی از افشاگری‌های آزار جنسی(برخی از متهمان مثل حبیب رضایی، جزو سیاست‌زده‌ترین چهره‌ها بودند) را به سمت اتحاد بکشاند (هرچند تا حالا محقق نشده، چون ریشه دشمنی و کینه‌ها داخل سینما خیلی جدی است) و آن بخش از سلبریتی‌های سینمایی که اتفاقاً سیاست‌باز و سیاست‌زده هستند و سرطناب رفتارهایشان هم در دست دشمن است بتوانند با تنفسی تازه دست به فرافکنی بزنند.

حقیقت ماجرا اما این است که کلید زدن جنبش وارداتی me too در ایران هدفگذاری بزرگتری چون پای کار آوردن کل جامعه زنان را دنبال می‌کرد اما از آنجا که اگر خدا خواهد عدو سبب خیر شود نتیجه‌ای که به دنبال داشت تا اینجا به سود جامعه اسلامی رقم خورده و مانند تف سربالا برای آن دسته تندرو و سیاست‌زده از سلبریتی‌ها عمل کرده است.

دریچه

هوشمندی مسلمانان در انگلیس مقابل یک فیلم تفرقه‌جویانه

اعتراض مسلمانان باعث توقف اکران فیلم ضدوحدت بانوی بهشت در انگلیس شد

■ **مصطفی شاه‌کرمی**

اکران فیلم «بانوی بهشت» که با هزینه‌ای هنگفت از سوی جریان موسوم به «شیعه انگلیسی» و با هدف شعله‌ور کردن اختلافات مذهبی بین مسلمانان ساخته شده است از جمعه گذشته از سوی کمپانی سینماهای زنجیره‌ای «Cineworld» در بسیاری از شهرهای انگلیس آغاز شد که نهایتاً به‌خاطر بالا گرفتن اعتراض مسلمانان، نمایش آن متوقف شد.

دولت انگلیس ترجیح داده ادامه اکران فیلم تفرقه‌جویانه بانوی بهشت را متوقف کند. این در حالی است که تهیه‌کننده این فیلم مدعی شده این اقدام برخلاف ارزش‌های بریتانیاست که فیلم به‌طور کامل متوقف شود!

روزنامه گاردین با انتشار گزارشی از توقف اکران فیلم «بانوی بهشت» که توسط کمپانی سینماهای زنجیره‌ای «Cineworld» نمایش داده می‌شود، به دلیل اعتراض مسلمانان نسبت به محتوای این فیلم خبر داد. براساس این گزارش، کمپانی سینماهای زنجیره‌ای «Cineworld» اعلام کرده تصمیم به لغو تمام نمایش‌های فیلم «بانوی بهشت» در راستای حفظ امنیت کارکنان و مشتریان خود گرفته است. توقف اکران این فیلم ضدوحدت مذاهب اسلامی در حالی اتفاق افتاده که تهیه‌کننده این فیلم گفته است این اقدام(توقف کامل اکران فیلم «بانوی بهشت») برخلاف ارزش‌های بریتانیاست!

براساس تصاویر منتشر شده در برخی شبکه‌های اجتماعی، تعدادی از مسلمانان شهر بیرمنگام انگلیس علیه فیلم تفرقه‌آمیز «بانوی بهشت» جلوی یکی از سینماهای «Cineworld» این شهر تظاهرات اعتراضی راه انداختند. همزمان با توقف نمایش این فیلم پس از حضور برخی مسلمانان معترض در شعبه بولتون این کمپانی، رئیس شورای مساجد بولتون هم خواستار لغو نمایش این فیلم شده و اعلام کرده که بانوی بهشت بر پایه ایدئولوژی فرقه‌ای است و ماهیت توهین‌آمیز برای جامعه مسلمانان دارد. تاکنون بیش از ۱۱۷ هزار نفر طوماری را برای حذف این فیلم از تمام سینماهای انگلیس امضا کرده‌اند. برخلاف ادعای تهیه‌کننده فیلم «بانوی بهشت»، سخنگوی کمپانی سینماهای زنجیره‌ای «Cineworld» می‌گوید: با توجه به اتفاقات اخیر مربوط به نمایش فیلم «بانوی بهشت»، تصمیم گرفتیم نمایش‌های آینده این فیلم در سراسر کشور را لغو کنیم. بانوی بهشت قرار بود در برادفورد، بیرمنگام، بولتون، لندن، گلاسکو سیلوربرن، میلتون کینز، شفیلد و ولورهمپتون نمایش داده شود.

دشمنی انگلیس علیه اتحاد مسلمانان، نه‌تنها موضوع مکتوم و پنهانی نیست، بلکه سالیان زیادی است که وارد یک فاز هیبریدی جدید هم شده است. این تخاصم انگلیسی‌ها نسبت به جامعه مسلمانان بر قاعده و ژنوم تفرقه‌انداز آنها که متکی به شعار موسوم به «تفرقه بینداز و حکومت کن» است، ابتنا دارد و ریشه آن در تمام جاهایی که این کشور استعمارگر حضور داشته، سابقه تاریخی و اِسنادی دارد. بهترین روشنگری در رابطه با تغییر فاز نحوه دشمنی و ایجاد تفرقه بین مسلمانان از سوی انگلیسی‌ها را رهبر انقلاب با ابداع کلیدواژه‌هایی مثل شیعه انگلیسی یا لندنی انجام دادند.

اگرچه اصطلاح «شیعه انگلیسی» ریشه در نوع نگاه امام خمینی(ره) و تئوریزه کردن بحث «اسلام امریکایی» در بین جامعه مسلمین دارد، اما این واژه‌سازی ایشان به خوبی تغییر فاز انگلیس مبنی بر چرخش دوباره به سمت شیعیان را که پیشتر بر مسلمانان اهل تسنن متمرکز بود، نشان می‌دهد. حرکت‌هایی که سال‌ها قبل با انجام اقدامات انحرافی مانند راه‌اندازی و ایجاد فرق ضاله‌ای مثل شیخیه، بابیت و بهاییت در بین شیعیان و مخصوصاً مردم کشورمان و چشیدن ضرب‌شست بزرگانی مثل امیرکبیر آن را تجربه کرده است.

جریان شیعه انگلیسی مورد حمایت لندن، یکی از امیدواری‌های این کشور استعمارگر است که با تحریک احساسات و برجسته کردن اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی، اتحاد مسلمانان را که ذیل پرچم، دین واحد، کتاب واحد و پیامبر واحد شکل گرفته است از بین ببرد. این جریان انحرافی لندن‌نشین سال‌هاست فعالیت‌شان را بر حوزه‌هایی مثل اقدامات فرهنگی و هنری مانند ساخت فیلم مسئله‌دار «بانوی بهشت» با میدان‌داری اشخاصی همچون یاسر الحبیب گسترش داده است. در واقع جریان انحرافی شیعه لندنی پس از راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای و برنامه‌های ضدتقریبی، حالا تلاش ضدوحدتش را به سمت فیلمسازی با تأمین هزینه‌های هنگفت از سوی دستگاه سلطنتی انگلیس و دلارهای نفتی برخی کشورهای عربی سوق داده است.